

بیانیه نهضت آزادی ایران پیرامون ولایت مطلقه فقیه

یا «انقلاب چهارم»

ایاک نعبد و ایاک نستعین^۱

رهبر انقلاب در پاسخ پرسش آقای رئیس جمهور (که معلوم نشده است چه بود) و به منظور پایان دادن به اختلافات داخل جناحهای حاکمیت جوابیه‌ای به تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۶۶، در بحبوحه آشفتگیها و خون و خرابیهای تداوم جنگ تحمیلی صادر فرمودند. این جوابیه هنوز در رأس مباحث و مسائل مهم کشور قرار دارد و مقصد و محور بیانات، مناقشات، و مصاحبه‌های سران روحانی صاحب اقتدار انقلاب و نظام می‌باشد. آقایان عظام با خطبه‌ها، تاویل و تفسیرها و با توبه و تعلق‌ها، مسابقه بی‌سابقه در سپاس و ستایش «امام امت» و در تأیید و تعظیم منشورنامه یا فرمان صادره گذارده‌اند. بدون آنکه غیر خودشان را اجازه نظر و یا حق حیات و حضور در چنین امر خطیر دینی و ملی بدهند برای بقا و قدرت خود لباس جدید می‌برند و می‌دوزند و می‌پوشند!

از سوی دیگر، در میان قشرهای جامعه موجی از سرگردانی و نگرانی درباره دنیا و دین و نواهای اضطراب و اعتراض نسبت به نوین ارمغان ناخواسته برپا شده است. ترس از آن است که انقلاب ضد استبدادی و ضد استعماری اول ما بازگشت ارتجاعی به یک استبداد مضاعف هلاکت بار دولتی و دینی بنماید!

نهضت آزادی ایران که فریضه اصلی و همیشگی خود را مبارزه با شخص‌پرستی به جای خداپرستی و مقابله با استبداد داخلی و استیلای خارجی می‌داند و دفاع از آزادی و حاکمیت ملی و از آرمانهای انقلاب، در سرلوحه برنامه‌های آن قرار دارد، لازم دید در این جنجال پردامنه، تا چندان دیر نشده است. اظهارنظر اصولی و تعیین موضع عقیدتی و سیاسی بنماید و سپس به خواسته خدا به تفصیل و تحلیل جامع مسئله، از دیدگاههای اجتماعی، حقوقی و اسلامی، که آغاز کرده است، بپردازد.

خوشبختانه رهبر انقلاب با سعه صدر قابل تقدیری در منشورنامه خود باب سؤال و راه اظهارنظر و اشکال را باز کرده فرموده‌اند: «البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوئیم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی برای رشد انسانها است.»

نظر نهضت آزادی ایران (و فکر می‌کنیم هر ایرانی یکتاپرست آزاده و هر فرد آگاه فهمیده) درباره «ولایت مطلقه فقیه»، آن طور که با داعیه جانشینی رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و با حق تشخیص مصلحت اسلام و تغییر احکام، آن را در مرتبه بالاتر از خدا قرار داده‌اند. به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

۱- در نامه‌های رهبر انقلاب و تفاسیر گوناگون بعدی، ابهامهای فراوان و تضادهای هرج و مرج‌زای زیاد

۱- تنها تو را بنده فرمانبریم و تنها از تو کمک می‌جوئیم (جمله‌ای از نیایش همه روزه هر مسلمان)

وجود دارد که تا دقیقاً روشن و رفع نشود نه می‌توان اظهار نظر قطعی کرد و نه قابل اجرا در عمل است.

۲- زیر سؤال برنده و نقض‌کننده بسیاری از مفاهیم و منظورها و اصول قانون اساسی بوده، اساس حقوقی کشور و پایه‌های جامعه را به هم می‌ریزد. همچنین با آرمانهای انقلاب و بیانات و تعهدات در تعارض می‌باشد.

۳- با اختیارات خودرأیانه و فوق‌العاده‌ای که به «ولایت مطلقه فقیه» داده شده است چنین حکومت در عمل، چه فرق با استبداد مطلقه یا دیکتاتوری بر ملت دارد که درباره آن فرموده بودند «اگر یک فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند از ولایت می‌افتد پیش اسلام».

۴- قدرت مطلقه اعطائی به حکومت یا به ولایت فقیه مبنایت آشکار با اسلام و توحید ابراهیمی داشته قرآن و سنت و عترت آن را تأیید نمی‌کنند و بنابراین فاقد اصالت و اعتبار است.

این چه فرمانی است و چه انقلابی در ایران و اسلام که حکومت را در موضع بالاتر از فرستاده خدا قرار داده به او اختیار می‌دهد برخلاف نص صریح «و مشاور هم فی الامر» و بدون مشورت با امت تصمیم‌گیری در مصالح دولت و امور ملت نماید، تعهدات و قراردادهای را علیرغم دستور ازلی «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولاً»^۱ یک طرفه لغو کند و پا فراتر از خدا و «ما انزل الله» گذارده به عقل خود مصلحت اسلام را تشخیص داده فروع و احکام الهی را موقتاً یا دائماً تعطیل نماید؟!^۲

سبحان الله! پیغمبر خدا اجازه تغییر و تصرف در احکام و آداب دین را نداشته و خروج از قبله یهودیان، برای توجه به خانه یادگار ابراهیم پایه‌گذار اسلام را با آنکه آرزو داشت و مصلحت اسلام و مسلمین می‌دانست تا از خدا تقاضا نکرده و اجازه «فلنولینک قبله ترضیها»^۳ را نگرفت دستور تغییر قبله را نداد!

در حالی که رسول خدا وحی الهی را از خواسته‌ها و نظر شخصی تفکیک می‌فرمود و هرگز ادعا نداشت که تشخیص و امر او امر خدا است، آقایان امر ولی فقیه را معادل امر خدا اعلام می‌نمایند!

۵- به فرض آنکه ایرادهای بالا وارد نباشد، از آنجا که هنوز هم به فرموده خودشان «میزان رأی مردم است» مادام که در این امر خطیر مراجعه به آراء عمومی نشده و «ولایت مطلقه فقیه» برای اداره کشور و انضمام به نظام به تصویب اکثریت ملت ایران نرسیده باشد فاقد مشروعیت و ارزش و اعتبار قانونی است. به همان دلیل که در انقلاب اول برای تبدیل مشروطه سلطنتی به جمهوری اسلامی و برای تنفیذ قانون اساسی، که هر دوی آنها موافق شرع امور و مورد قبول و پیشنهاد رهبر بود، برای سندیت داشتن و قانونی و الزامی بودن همه‌پرسی به عمل آمد.

در این فرمان یا فتوی یک سلسله اصول تازه و توسعه و تغییرات فراگیر وجود دارد که نه در راه پیمائشها و شعارهای سال ۵۷ خواسته شده است و نه در اعلامیه‌ها و وعده‌ها و مصاحبه‌های نجف و پاریس آقای خمینی اشاره شده بود. وقتی سران و مسئولین دست بالا اقرار به عدم آشنائی و اشعار قبلی

1- در جمع انجمن‌های اسلامی سراسر کشور در ۵۸/۶/۳۰

2- آل عمران ۱۵۹- و با آنها در امر و کار (جنگ و اداره امت) مشورت (و نظرخواهی) بنما.

3- اسراء ۳۴- نسبت به عهد و پیمانها وفادار باشید به درستی که عهد و قرار (در نزد خدا) بازخواست می‌شود.

4- مائده ۴۴ و ۴۵ و ۴۷- و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون، هم الظالمون و هم الفاسقون.

5- بقره ۱۴۴- بنابراین روی تو را به سوی قبله‌ای که خشنودت سازد بر می‌گردانیم.

خود می‌نمایند و بعضاً اظهار داشته‌اند که ولایت مطلقه فقیه در طی ۱۳۰۰ سال گذشته مطرح نبوده است مسلماً عامه ایرانیان که اکثریتشان رأی به انقلاب اول و به قانون اساسی دادند توجه و تأیید نسبت به این مسئله نداشته‌اند.

بنابراین اگر احتیاج یا اصرار به ابرام و اجرای این فتوی و اصل باشد لازم است، پس از آنکه اصول و موازین و موارد استعمال آن دقیقاً و تفصیلاً تعریف و تدوین گردید و مردم در یک محیط عام و امن و آزاد نسبت به آن آگاهی پیدا کردند. مبادرت به «همه‌پرسی» شود. همه‌پرسی خالی از انحصار و اختناق و از ارباب و آزار، همانطور که در دو رفراندوم گذشته انجام شده است.

در غیر این صورت و با عدم تصویب اکثریت، هر گونه استنباط و استفاده و اجرا که در این باره به عمل آید خلاف شرع و قانون بوده خیانت در امانت است و در نزد خلق و خالق پیامدهای دردناک برای آمرین و عاملین خواهد داشت.

ما امیدواریم به خواسته خدا و کمک او به زودی اعلامیه تفصیلی تحلیلی در ارائه و اثبات نظریات بالا را تکمیل و تقدیم ملت عزیز بنمائیم. ولی از هم اکنون آماده‌ایم و از مقام ریاست جمهوری که هم‌آهنگ کننده قوای سه‌گانه و رئیس قوه مجریه هستند، تقاضا می‌نمائیم یک میزگرد مناظره آزاد و امن در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ترتیب داده از متصدیان و مدافعین فرمان، از افراد شاخص قشرهای مختلف کشور مخصوصاً افاضلی از روحانیت غیروابسته به دستگاه و غیر مجذوب یا مرعوب و از نهضت آزادی و گروههای ملی و مذهبی کشور دعوت نمایند تا بحث و بررسی در این مسئله سرنوشت‌ساز به عمل آمده برای روشن شدن افکار عمومی نظریات موافق و مخالف ابراز گردد.

اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین^۱.

نهضت آزادی ایران

۳۰ دیماه ۱۳۶۶

۱- خدایا ما را به راه راست خودت رهبری فرما. راه کسانی که از نعمت و رحمت بهره‌مندشان ساختی نه آنها که خشم (و عذابت) را خریدند و نه گمراهان.